



چند ماه پیش، بنا به ضرورت پروژه‌های که قرار بود برای سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی انجام دهیم، چند روزی را به‌طور کامل از صبح زود تا غروب در مدرسه تاریخی دارالفنون به سر بردم؛ مدرسه‌ای که اکنون چند سالی است به گنجینه آموزش و پرورش تبدیل شده و گشت‌وگذار در راهروها و اتاق‌های آن که با اسامی گوناگونی چون «خانهٔ معلمان مؤلف»، «خانهٔ امیرکبیر»، «خانهٔ معلمان شهید» و «خانهٔ وزرای آموزش و پرورش» نام‌گذاری شده‌اند، علاوه بر عبرت‌آموزی و یادگیری از تاریخ، آینهٔ تمام‌نمایی از گذشته تاکنون نظام تعلیم و تربیت کشورمان را پیش رویمان می‌گشاید. یکی از بخش‌هایی که در حین گذر مکرر چند روزه از راهروها و اتاق‌های دارالفنون باعث می‌شد دقایقی توقف و هر بار

آیا ۱۰ سال انتظار زمان کمی است؟!

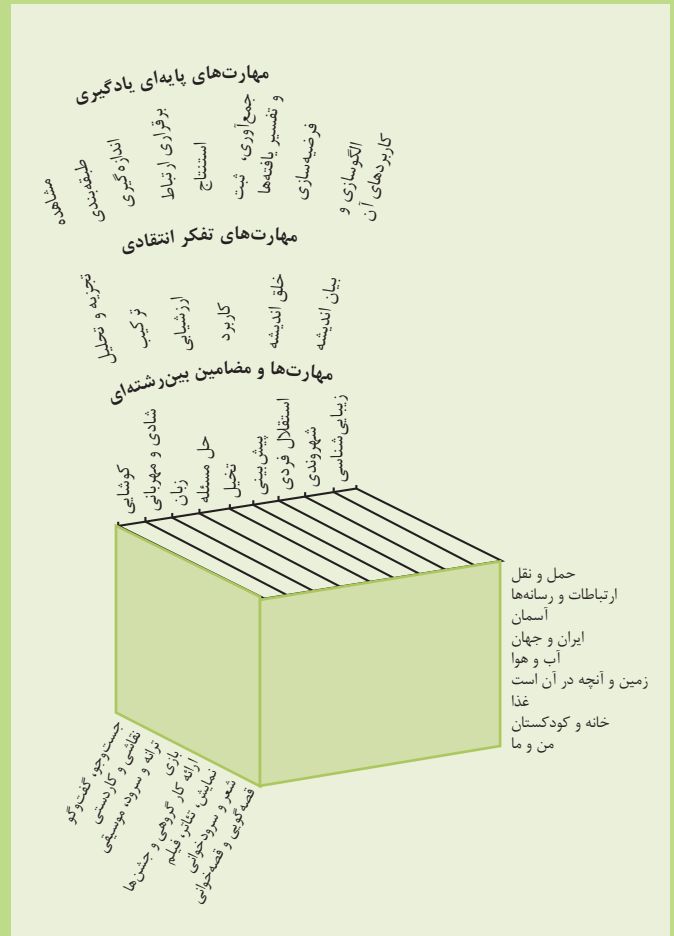
دکتر مرتضی مجددفرد

روبه‌رو هستیم. بنابراین باید برنامه درسی خود را با توجه به این محدودیت‌ها انتخاب کنیم. برنامه‌ای که با انواع فضاها، از محیط‌های محدود گرفته تا فضاهایی از تمامی لحاظ مجهز، به خوبی ارتباط برقرار سازد.

یکی از برنامه‌های منعطف که با حفظ اهداف خود به راحتی قابل اجراست، برنامه‌ریزی چندبعدی است که می‌تواند فضاهای منعطف و در عین حال ساختارمند را ارائه کند.

منابع

۱. بازرگان، سیمین؛ برنامه‌ریزی چندبعدی؛ ماتریس زندگی، انتشارات مدرسه، تهران، ۱۳۸۴.
۲. سیف، علی‌اکبر؛ روان‌شناسی پرورشی، نشر دوران، تهران، ۱۳۸۶.
۳. مفیدی، فرخنده؛ مدیریت مراکز پیش‌دبستان، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ۱۳۸۶.
۴. «انعطاف در طراحی»، ترجمهٔ رویا بنائیان‌جهرمی، فصلنامهٔ مدرسه نو، شمارهٔ ۴۸، ۱۳۸۴.
۵. میرزاییکی، علی؛ برنامه‌ریزی درسی و طرح درس، نشر سیسپرون، تهران، ۱۳۸۰.
۶. بازرگان، سیمین؛ کتاب راهنمای مربی، انتشارات مدرسه، تهران، ۱۳۸۳.
7. Bazargan.s(2004). A multi-dimensional curriculum (MDC) for pre-school & elementary school. Journal of international council of association for science education (ICASE). Vol.30.



بخش‌هایی از آن را مرور کنیم، نمایشگاهی دیواری بود که با عنوان «سیر تغییرات برنامه‌ها و مواد درسی»، تغییرات پایه‌ها، رشته‌ها و مواد درسی در آموزش و پرورش کشورمان از نخستین سال‌های تأسیس دارالفنون و راه‌اندازی شورای معارف تا به امروز را نشان می‌داد. این نمایشگاه تاریخی در گنجینه آموزش و پرورش ایران در دارالفنون، در بخشی از دیوارهای راهروهای طبقه اول خودنمایی می‌کند و مشتاقان و علاقه‌مندان مباحث تاریخی و تعلیم و تربیتی می‌توانند با مراجعه به این مکان، ضمن ادای احترام به سردار آزادگی، امیرکبیر، و کلیه خادمان آموزش و پرورش ایران در ۱۵۰ سال اخیر، با انبوهی از مدارک و اسناد ارزشمند روبه‌رو شوند. در این نمایشگاه بخش‌هایی به چشم می‌خورد که حرف‌های ناگفته‌ای را در ارتباط با آموزش‌های پیش‌دبستانی در کشورمان در خود نهفته دارد.

در نمایشگاه سیر تغییرات برنامه‌ها، مواد و پایه‌های درسی در دارالفنون، تقریباً ۵۰ تابلو می‌بینیم که از ساختارها و تقسیم‌بندی پایه‌ها، دوره‌ها و رشته‌های تحصیلی و دروس هر رشته و پایه و سهم هر یک از ساعات درسی در برنامه هفتگی گرفته تا بسیاری از اطلاعات دیگر در تاریخ آموزش و پرورش کشورمان حکایت دارد. نکته جالبی که پس از چند روز حضورم

در دارالفنون و توقف‌های چند دقیقه‌ای‌ام در مقابل این دیوارکوب‌های مقوایی ساده، مرا وادار به نوشتن این یادداشت کوتاه کرد، مشاهده عبارت‌هایی چون «کودکستان»، «آمادگی»، «پیش از دبستان» و ... در تمامی ساختارهای نصب شده بر دیوار از اولین مورد آن در قریب ۱۰۰ سال پیش تا واپسین آن در ساختار ۳-۳-۶ سال‌های اخیر (ساختار مورد تأکید در سند تحول بنیادین) بود؛ یعنی در تمام ۱۰۰ سال گذشته، هر کدام از برنامه‌ریزان، مسئولان و تصمیم‌گیرندگانی که در رأس نهادهای تصمیم‌گیرنده کلان دستگاه تعلیم و تربیت ایران بوده‌اند، اهمیت و ضرورت وجود دوره پیش‌دبستانی را درک کرده و آن را با ذکر نام‌ها و عباراتی که در هر دوره جاری و ساری بوده، بعضاً به شکل رسمی و اکثراً به صورت غیررسمی و با رنگی به غیر از رنگ‌هایی که نشانگر دوره‌های رسمی تحصیلی است، در نمودارها و ساختارهای مصوب آموزش و پرورش گنجانده‌اند. این البته، اتفاق خجسته‌ای است و باید آن را به فال نیک گرفت که در هیچ دوره‌ای، پیش‌دبستانی فراموش نشده است. به عبارتی دیگر، شاید هیچ ضرورتی نباشد که با ذکر ضرورت‌های دوره پیش‌دبستانی، اشاره به پژوهش‌های داخلی و خارجی و بیان تأثیرگذاری این قبیل آموزش‌ها بر کودکان در دوره‌های بعد از پیش‌دبستان، آن‌ها را برای مهم دانسته شدن دوره

آموزش پیش از دبستان مجاب کنیم. در واقع، ماجرا از ذکر ضرورت‌ها، پژوهش‌ها و اولویت‌ها گذشته و به نوعی «جسارت»، «همت» و «عزم ملی» تبدیل شده است. به دیگر سخن، آموزش و پرورش ما به دنبال فرد یا مجموعه افرادی است که پس از قریب ۱۰۰ سال، رودرباستی و نشان دادن پیش‌دبستان با رنگی دیگر در ساختارهای آموزش و پرورش را - که از غیررسمی بودن این دوره حکایت دارد - کنار بگذارند و با رسمیت بخشیدن عملی به این دوره، موقعیتی را فراهم کنند که همه کودکان این آب و خاک، لذت آموزش پیش‌دبستانی را بچشند و تأثیر آن را در دوره‌های بعدی تحصیل و زندگی خود به چشم ببینند؛ موقعیتی که سال‌ها پیش با زمزمه‌های حذف دوره پیش‌دانشگاهی از ساختار رسمی آموزش و پرورش برای رسمی شدن پیش‌دبستانی به وجود آمد ولی به دلیل نبود همتی که از آن سخن گفتیم، بار دیگر در درون نظام دوازده ساله مدرسه‌ای غروب کرد.

انتظار دست‌اندرکاران و فعالان حوزه پیش‌دبستانی از مسئولان آموزش و پرورش این است که بعد از قریب ۱۰۰ سال، به طور جدی در تحقق عملی رسمی‌سازی آموزش و پرورش پیش‌دبستانی آن‌گونه که در برنامه درسی ملی هم آمده است، گام بردارند. آیا ۱۰۰ سال انتظار، زمان کمی است؟!

